

# دانشنامه جهان اسلام

ش - ص

---

شيفته - صيفين

(۲۹)



زريطر

علا معلى حداد عادل

معاون علمى

حسن طارمى راد

---

تهران ۱۴۰۰



## دانشنامه جهان اسلام

جلد بیست و نهم

چاپ اول: ۱۴۰۰ / تعداد ۵۰۰۰ نسخه

حروف نگاری و صفحه‌آرایی: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت افست (سهامی عام)

نظارت چاپ، نشر، توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع

تهران - خیابان فلسطین، شماره ۳۸۲، شماره پستی ۱۴۱۶۶۷۴۵۴۴، صندوق پستی ۱۱۳۶۵-۳۸۸۵، شماره ۸۸۹۶۹۲۰۱

www.rch.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

www.ewi.ir

این کتاب با تسهیلات حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و منتشر شده است.

همه حقوق برای بنیاد دایرةالمعارف اسلامی محفوظ است.

قیمت: ۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال

دانشنامه جهان اسلام / زیر نظر غلامعلی حدّادعادل - تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ -

ج: مصور (بخشی رنگی)

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۷-۰۳۰-۱ (ج. ۲۹)

ص.ع. به انگلیسی:

Encyclopaedia of the world of Islam (in Persian)

کتابنامه

۱. اسلام - دایرةالمعارفها. ۲. کشورهای اسلامی - دایرةالمعارفها. ۳. ایران -

دایرةالمعارفها. ۴. تمدن اسلامی - دایرةالمعارفها. ۵. فرهنگ اسلامی - دایرةالمعارفها.

الف. حدّادعادل، غلامعلی، ۱۳۲۴ - ب. بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

۲۹۷/۰۳

BP/۵/۲/د ۲

علی میرشریفی، قم ۱۳۷۴ ش؛ احمدبن محمد میدانی، مجمع الامثال، چاپ محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت [بی‌تا.]: نجاشی؛ محمدبن خلف وکیع، اخبارالقضاة، چاپ سعید محمد لحام، بیروت ۱۴۲۲/۲۰۰۱؛ یعقوبی، تاریخ.

/ سعید شفیعی /

**صَعَصَعَةُ بَنِ نَاجِيَةٍ**، از بزرگان عرب در اوان بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که از مخالفان زنده‌به‌گورکردن دختران در دوره جاهلیت بود و سپس از صحابیان شد. او از اشراف بنی تمیم\* و از سران تیره بنی مُجاشعین دارم بود. از این رو، از وی با نسبت‌های تمیمی و دارمی و مجاشعی یاد شده است (ابن ابی‌عاصم، ج ۲، ص ۴۰۲؛ ابن اثیر، ۱۹۷۰-۱۹۷۳، ج ۳، ص ۲۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۲۹).

تاریخ تولد صعصعه معلوم نیست، اما نام او در واقعه حمله بنی تمیم به کاروان هدایایی که وَهْرُز\* (سردار ساسانی) برای انوشیروان (حک: ۵۳۱-۵۷۹ م) فرستاده بود، آمده و او را محرک این ماجرا دانسته‌اند، که در پی آن لشکر انوشیروان، به سرکردگی کارگزار بحرین، بنی تمیم را در مُشَقَّر کشتار کردند (طبری، ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹-۱۴۰۲، ج ۱، ص ۴۶۸-۴۶۹).

شهرت صعصعه بن ناجیه در دوره جاهلیت\* به سبب پرداخت بهای رهایی دخترانی بود که بنی تمیم قصد زنده‌به‌گورکردن آنها را داشتند (ابن حبیب، ۱۳۶۱، ص ۱۴۱؛ ابن ذرید، ص ۲۳۹؛ ابوالفرج اصفهانی، ج ۲۱، ص ۲۷۶-۲۸۰). به قول خود صعصعه، او نخستین کسی بوده که دست به چنین کاری زده است (ابن ابی‌عاصم، ج ۲، ص ۴۰۴؛ نیز ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۳۰) و چون این امر را به زیدبن عمروبن نُفَیل\* نیز نسبت داده‌اند، احتمالاً صعصعه نخستین فرد در میان تمیم، و زید نخستین فرد در میان قریش بوده است (ابن حجر عسقلانی، همانجا). شمار دخترانی را که صعصعه تا هنگام بعثت پیامبر اکرم (۶۱۰ م) از مرگ رهانیده بود، در منابع به اختلاف از سی تا هزار تن ذکر کرده‌اند (ابن حبیب؛ ابن ذرید، همانجا؛ ابوالفرج اصفهانی، ج ۲۱، ص ۲۷۷؛ صَفَدِي، ج ۱۶، ص ۱۷۹). فَرَزْدَق\*، شاعر مشهور عرب و نواده صعصعه (ابن سعد، ج ۷، ص ۳۸؛ ابن ذرید، همانجا)، ضمن سرودن اشعاری، این عمل جدش را ستوده است (ابن حبیب، همانجا؛ ابوالفرج اصفهانی، ج ۲۱، ص ۲۷۸-۲۸۰).

پس از ظهور اسلام، در سال ۹، صعصعه به همراه هیئت نمایندگی بنی تمیم نزد پیامبر به مدینه رفت و اسلام آورد

ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، چاپ کاظم مظفر، نجف ۱۳۸۵/۱۹۶۵، چاپ افست قم ۱۴۰۵؛ ابوهلال عسکری، کتاب جمهرة الامثال، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم و عبدالمجید قطامش، بیروت [۱۳۸۴/۱۹۶۴]، چاپ افست [بی‌تا.]: ابویعلی موصلی، مسند ابی‌یعلی الموصلی، چاپ حسین سلیم اسد، دمشق ۱۴۰۴-۱۴۰۹/۱۹۸۴-۱۹۸۸؛ احمدبن حنبل، مسند الامام احمدبن حنبل، بیروت: دارصادر، [بی‌تا.]: احمد زکی صَفَوْت، جمهرة خطب العرب فی عصور العربية الزاهرة، [قاهره] ۱۳۸۱/۱۹۶۲؛ محمدبن عبدالله اسکافی، المعیار و الموازنة فی فضائل الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (صلوات‌الله‌علیه)، چاپ محمدباقر محمودی، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۱؛ حسین بن احمد بُراقی، تاریخ الکوفة، چاپ ماجد عطیه، [قم] ۱۳۸۲ ش؛ احمدبن محمد برقی، کتاب الرجال، در ابن داوود حلی، کتاب الرجال، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۲۲ ش؛ همو، کتاب المحاسن، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۳۰ ش؛ احمدبن یحیی بَلَاذُری، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس عظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰؛ ابراهیم بن محمد ثقفی، الفارات، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۵۴ ش؛ عمروبن بحر جاحظ، البیان و التبيين، چاپ عبدالسلام محمد هارون، بیروت [؟ ۱۳۶۷/۱۹۴۸]؛ ابراهیم بن یعقوب جوزجانی، احوال الرجال، چاپ صبحی بدری سامرائی، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵؛ محمدبن عبدالله حاکم نیشابوری، کتاب معرفة علوم الحدیث، چاپ سیدمعظم حسین، بیروت ۱۴۰۰/۱۹۸۰؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، روایة یحیی بن خالد [مخلد]، چاپ سهیل زکار، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛ محمدبن احمد ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، چاپ علی محمد بجاری، قاهره ۱۹۶۳-۱۹۶۴، چاپ افست بیروت [بی‌تا.]: خیرالدین زُرْکَلِی، الاعلام، بیروت ۱۹۸۰؛ محمودبن عمر زَمَخْشَرِی، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت ۱۴۱۷/۱۹۹۶؛ سَمْعَانِی، صَفَدِي؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ محمدبن حسن طوسی، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ حسن بن یوسف علامه حلی، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۴۱۷؛ علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغة، چاپ صبحی صالح، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷، چاپ افست قم [بی‌تا.]: محمدبن حسن فَتَّال نیشابوری، روضة الواعظین، قم: منشورات الرضی، [بی‌تا.]: نعمان بن محمد قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، چاپ محمد حسینی جلالی، قم ۱۴۰۹-۱۴۱۲؛ محمدبن حسن قمی، العقد النضید و الدر الفرید فی فضائل امیرالمؤمنین و اهل بیت النبوی علیهم السلام، چاپ علی اوسط ناطقی، قم ۱۳۸۱ ش؛ محمدبن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمدبن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ کلینی (بیروت)؛ حسین بن اسماعیل محاملی، امالی المحاملی، روایة ابن یحیی البیع، چاپ ابراهیم ابراهیم قیسی، عَمَّان ۱۴۱۲/۱۹۹۱؛ محمدجواد مرهون، الخطیب الششع: صعصعة بن صوحان، بیروت [؟ ۱۴۱۰/۱۹۹۰]؛ یوسف بن عبدالرحمان مَزْی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۱۴۰۰-۱۴۱۳/۱۹۸۰-۱۹۹۲؛ سعودی، مروج (بیروت)؛ محمدبن محمد مفید، الجمل فی التصرة لسید العترة فی حرب البصرة، چاپ

(ابن سعد؛ ابن درید، همانجاها؛ علم الهدی، ج ۲، جزء ۴، ص ۱۹۲). به روایتی، پیامبر اکرم در پاسخ به پرسش صعصعه، اقدام وی در جاهلیت برای رهانیدن دختران از مرگ و زنده‌به‌گورشدن را یکی از مصادیق نیکی برشمرد و فرمود او به سبب اسلام آوردن، در این کار مأجور نیز خواهد بود (ابن قتیبه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن ابی عاصم، ج ۲، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۶۱۰-۶۱۱).

صعصعه داناترین فرد به قبایل مُضَر (رَبِیعَه و مَضَر\*) بود. گفته شده است که چون پیامبر درباره آنان از صعصعه پرسید، او به وصف هریک از این قبایل پرداخت و پیامبر نیز گفته‌اش را تأیید کرد (ابن حبیب، ۱۴۰۵، ص ۲۳-۲۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۳۱). در این دیدار، صعصعه از پیامبر خواست تا وی را نصیحت کند و پیامبر وی را درباره مادر، پدر، خواهر، برادر و همسایه‌اش سفارش کرد (ابوالفرج اصفهانی، ج ۲۱، ص ۲۸۰؛ علم الهدی، همانجا). همچنین، صعصعه از پیامبر آیات ۷ و ۸ سوره زلزال را شنید و سخت تحت تأثیر قرار گرفت و گفت اگر از قرآن فقط این آیات را شنیده بود، برایش کافی بود (علم الهدی، همانجا؛ طبرسی، ذیل همین آیات).

زمان مرگ صعصعه معلوم نیست، اما با توجه به اینکه او در سال ۹ همراه هیئت بنی تمیم به نزد پیامبر رفته بوده، احتمالاً بعد از این سال درگذشته است. صعصعه منزلتی والا داشت (ابن درید، همانجا). مؤلفان تراجم صحابه وی را در شمار صحابه پیامبر اکرم ذکر کرده‌اند (ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۷۱۸؛ ابن اثیر، ۱۹۷۰-۱۹۷۳، ج ۳، ص ۲۲-۲۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۲۹-۴۳۱). گفته‌اند که او از پیامبر اکرم حدیث روایت کرده است (ابن سعد، همانجا؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۹). به گفته ابن سعد (همانجا)، او و فرزندانش در بصره ساکن شدند (نیز - ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۲۹).

عقال بن صعصعه (پسرش)، طفیل بن عمرو و حسن بصری (احتمالاً با واسطه) از او روایت کرده‌اند (ابن اثیر، ۱۹۷۰-۱۹۷۳، ج ۳، ص ۲۳؛ میزی، ج ۱۳، ص ۱۷۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، همانجا). ابوالفرج اصفهانی (ج ۲۱، ص ۲۸۱) و صفدی (ج ۱۶، ص ۱۸۰) به اشعاری از صعصعه اشاره کرده‌اند، اما ابوالفرج اصفهانی (ج ۲۱، ص ۳۹۶) ضمن روایتی دیگر گفته است که فرزندق روحیه شاعری خود را از دایی‌اش می‌دانست، چراکه نه غالب (پدرش) و نه صعصعه (جدش) هیچ‌کدام شاعر نبودند.

منابع: ابن ابی عاصم، الأحاد و المثانی، چاپ باسم فیصل جواهره، ریاض ۱۹۹۱/۱۴۱۱؛ ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، چاپ محمد

ابراهیم بنا، محمد احمد عاشور، و محمود عبدالوهاب فاید، قاهره ۱۹۷۰-۱۹۷۳؛ همو، الکامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۸۵-۱۳۸۶/۱۹۶۵-۱۹۶۶، چاپ افست ۱۳۹۹-۱۴۰۲/۱۹۷۹-۱۹۸۲؛ ابن حبیب، کتاب المَحَبَّر، چاپ ایلزه لیشتن اشتر، حیدرآباد، دکن ۱۳۶۱/۱۹۴۲، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ همو، کتاب المُنَمَّق فی اخبار قریش، چاپ خورشید احمد فاروق، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، چاپ علی محمد بجاوی، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ همو، کتاب تهذیب التهذیب، چاپ صدقی جمیل عطار، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۵؛ ابن دُرَید، الاشتهاق، چاپ عبدالسلام محمد هارون، مصر ۱۳۷۸/۱۹۵۸؛ ابن سعد؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، چاپ علی محمد بجاوی، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن قتیبه، غریب الحدیث، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ ابوالفرج اصفهانی؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشلی، بیروت ۱۴۰۶؛ صفدی؛ طبرسی؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ علی بن حسین علم الهدی، امالی السید المرتضی، ج ۲، چاپ احمد بن امین شفقیطی، قاهره ۱۳۲۵/۱۹۰۷، چاپ افست قم ۱۴۰۳؛ یوسف بن عبدالرحمان یزوی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۱۴۰۰-۱۴۱۳/۱۹۸۰-۱۹۹۲.

/ لیلان نجفیان رضوی /

**صُعْلُوک**، عنوان عمومی گروهی از دزدان و راهزنان در ادبیات عربی. درباره ریشه این واژه و سازوکار دلالت آن بر دزدان و راهزنان در ادبیات عرب در سده‌های اولیه اسلامی اتفاق نظری نیست. با وجود معناهایی چون فقیر و نادار که در قاموسهای عربی برای صعلوک ذکر کرده‌اند (برای نمونه - ابن منظور؛ زبیدی، ذیل «صعلک»؛ برای بررسی بیشتر - افخمی عقدا و همکاران، ص ۳۸-۴۳؛ نیز - ادامه مقاله)، این نظر هم ابراز شده که این واژه در اصل عربی نبوده و از فارسی به عربی راه یافته است (کسروی، بخش ۱، ص ۵۵، پانویس ۵؛ نیز - حاکمی، ص ۶۲۸؛ افزون‌براین، صعلوک به‌عنوان اسم علم و ظاهراً با معنا و دلالتی مثبت نیز به کار رفته است - حاکمی، ص ۶۳۰؛ علاف فتاحی، ص ۶۹۰-۶۹۲). این فرض هم مطرح شده که صعلوک در عربی، چه‌بسا معادلی برای عیار (عیار / عیاران\*) در فرهنگ ایرانی بوده است (باستانی پاریزی، ص ۱۸۶؛ حاکمی، همانجا؛ قس علاف فتاحی، ص ۶۹۰).

اطلاعات چندانی از ساختار اجتماعی و سیاسی صعالیک و جزئیات حرفه‌ای ایشان در دست نیست. داده‌های پراکنده مختصری که گاهی در منابع تاریخی و برای مثال ضمن یادکرد از برخی مشاهیر و گروه‌های صعالیک آمده (برای نمونه - ابن قتیبه، ص ۳۲۹-۳۳۰، ۴۹۵-۴۹۶، ۵۶۰؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵۸، ۴۶۰، ۴۷۳، ۴۸۶؛ طبری، ج ۶، ص ۳۹۸، ج ۷،